



A Study of the Evolution of Exegetical Perspectives on Qur'an 64:11 (Sūrat al-Taghābun)

Farzad dehghani ^{a*}, Hanieh Rezaei ^b

^a Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran f.dehghani@hsu.ac.ir

^b M.A. Student in Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. haniyeh.rezaei002@gmail.com

KEYWORDS

Creational Permission
Tawheed of Actions
Heart Guidance
Moral Responsibility
Interpretive Evolution

ABSTRACT

Afflictions and hardships have always been an integral part of human experience. They not only affect the individual and social dimensions of human life but also challenge one's religious and philosophical beliefs. Verse 11 of Sūrat al-Taghābun is among the key Qur'anic verses in this regard, as it addresses the role of the human being in confronting afflictions and raises a fundamental question: Are afflictions merely manifestations of divine will, or does the human being also play a role in their occurrence? The answer to this question redefines foundational concepts such as free will, responsibility, faith, and the relationship between humanity and God.

The aim of this study is to examine the evolution of exegetical perspectives on verse 11 of Sūrat al-Taghābun from the early Islamic period to the contemporary era, in order to clarify how exegetes' understanding of the human role in relation to divine afflictions has undergone epistemic transformation and how this has influenced religious and ethical attitudes. The research employs a descriptive-analytical method and draws upon library-based sources. Data have been collected and analyzed from authoritative Islamic commentaries across different historical periods to trace the semantic and conceptual development of the verse.

The findings indicate that in early exegetical works, afflictions were primarily understood as manifestations of divine wisdom and as invitations to patience. In later commentaries, greater emphasis was placed on the notion of divine testing and steadfastness in faith. In the contemporary period, with increased attention to the doctrine of divine unity in action (tawhīd al-af'āl) and divine creative will, the human being is elevated from a passive recipient of events to a morally responsible agent. Furthermore, al-Mizān offers an innovative perspective by presenting affliction as a means of spiritual growth and conscious human participation in the path of divine guidance.

* Corresponding author.

E-mail address: f.dehghani@hsu.ac.ir

DOI: 10.22034/rtmr.2026.2081310.1125

Received: 2025/12/19.; Received in revised form: 2025/12/31; Accepted: 2026/1/5





نوع مقاله: پژوهشی

نقش انسان در برابر مصائب الهی: مطالعه تطور دیدگاه مفسران در آیه ۱۱ تغابن

فرزاد دهقانی الف*، حانیه رضائی ب

الف دانشیار، علوم قرآن و حدیث، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. f.dehghani@hsu.ac.ir

ب دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

haniyeh.rezaei002@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
اذن تکوینی توحید افعالی هدایت قلبی مسئولیت‌پذیری اخلاقی تطور تفسیری	مصیبت‌ها و بلاهای زندگی همواره بخشی از تجربه انسانی بوده‌اند و نه تنها ابعاد فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه باورهای دینی و فلسفی او را نیز به چالش می‌کشند. آیه ۱۱ سوره تغابن از آیات کلیدی قرآن کریم در این زمینه است که به نقش انسان در مواجهه با مصیبت‌ها می‌پردازد و پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: آیا مصیبت‌ها جلوه‌ای از اراده الهی‌اند یا انسان نیز در پیدایش آن‌ها نقش دارد؟ پاسخ به این پرسش مفاهیم بنیادینی چون اختیار، مسئولیت‌پذیری، ایمان و رابطه انسان با خدا را بازتعریف می‌کند. هدف پژوهش بررسی تطور دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه ۱۱ سوره تغابن از دوره‌های متقدم تا معاصر است تا روشن شود چگونه فهم مفسران از نقش انسان در برابر مصائب الهی دچار تحول معرفتی شده و چه تأثیری بر نگرش دینی و اخلاقی انسان داشته است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده و داده‌ها از تفاسیر معتبر اسلامی در دوره‌های مختلف گردآوری و تحلیل شده‌اند تا سیر تحول معنایی آیه مورد بررسی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تفاسیر اولیه، مصیبت‌ها جلوه‌ای از حکمت الهی و دعوتی به صبر تلقی می‌شدند. در تفاسیر متأخر، مفهوم آزمون الهی و ثبات ایمان برجسته شد. در دوره معاصر، با تأکید بر توحید افعالی و اراده تکوینی، انسان از موضع انفعال به جایگاه مسئولیت‌پذیری اخلاقی ارتقا یافت. تفسیر میزان نیز با رویکردی نوین، مصیبت را ابزاری برای رشد معنوی و مشارکت آگاهانه انسان در مسیر هدایت الهی معرفی کرده است.

* نویسنده مسئول؛

۱- مقدمه

آیه ۱۱ سوره تغابن با ساختاری دوپاره، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های تفسیری را در حوزه الهیات و انسان‌شناسی قرآنی رقم زده است. در بخش نخست، «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»، مصیبت به‌عنوان رخدادی مشروط به اذن الهی معرفی می‌شود؛ گزاره‌ای که در نگاه نخست، می‌تواند به قرائتی جبری از نظام هستی منجر شود و نقش انسان را در پیدایش یا تغییر بلاها به حاشیه براند. در مقابل، بخش دوم آیه «وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» از هدایت قلبی به‌عنوان پیامد ایمان سخن می‌گوید؛ امری که مستلزم کنش‌مندی، اختیار و واکنش فعالانه انسان در مواجهه با مصیبت است.

این تنش مفهومی میان «اذن الهی» و «هدایت قلبی»، بستری برای شکل‌گیری رویکردهای تفسیری متکثر در طول تاریخ اسلام شده است. مفسران متقدمان (قرون ۲ تا ۶ هجری) با تأکید بر قضا، قدر و علم الهی، مصیبت را امری مقدر و غیرقابل اجتناب دانسته‌اند؛ مانند مقاتل که مصیبت را از سوی خدا و هدایت را در قالب استرجاع معنا می‌کند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ۴: ۳۵۲-۳۵۳)، یا طوسی که اذن را معادل علم الهی گرفته و هدایت را شرح صدر و تسلیم معرفی می‌نماید (طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۲۲-۲۳).

در مقابل، مفسران متأخر (قرون ۷ تا ۱۳ هجری) ضمن حفظ محوریت تقدیر الهی، بر نقش اخلاقی و انتخاب‌گرایانه انسان در دریافت هدایت تأکید بیشتری دارند؛ مانند قرطبی که هدایت را ثبات ایمان و پیروی از سنت‌ها می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱۸: ۱۳۹-۱۴۰)، و فیض کاشانی که هدایت را نتیجه انتخاب بنده و آرامش قلب پس از تثبیت ایمان معرفی می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۱۸۴).

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در پی آن است که با واکاوی این تضاد مفهومی و بررسی تطور دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه ۱۱ سوره تغابن، به فهمی دقیق‌تر از نسبت میان بلا، ایمان و نقش انسان دست یابد؛ فهمی که می‌تواند نگرش انسان را نسبت به مصائب زندگی، سبک زیست ایمانی و جایگاه اختیار در نظام الهی بازتعریف کند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

واژه «مصیبت» نخستین‌بار از ریشه «ص و ب» در آیه ۴۷ سوره قصص مطرح شده است؛ سوره‌ای که در سال نهم بعثت و در مکه نازل گردیده و زمینه‌ای برای تأمل در مفهوم بلا و ابتلاء فراهم ساخته است. در حوزه مطالعات مرتبط، آثار متعددی به بررسی نقش انسان در رخدادهای طبیعی و مصیبت‌ها پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: الف- پژوهش‌های کلی درباره شرور و بلا، ب- پژوهش‌ها درباره نقش انسان در نظام تکوین.

الف. پژوهش‌های کلی درباره شرور و بلا

مقاله «عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات» نوشته نصیر اوغلی خیابانی و رئیسی (۱۳۹۵ش) نیز با تحلیل متون دینی، عوامل مؤثر در وقوع مصیبت را از منظر الهی و انسانی بررسی کرده و نقش عدالت الهی را در این زمینه تبیین نموده است.

هرچند مقاله خیابانی و رئیسی (۱۳۹۵) عوامل بروز مصیبت را بررسی کرده، اما تحلیل خود را به صورت همزمان (synchronic) ارائه داده و از یک رویکرد درازمان (diachronic) که تطور این دیدگاه‌ها را در بستر تاریخ نشان دهد، غفلت کرده است. این شکاف، دقیقاً همان نقطه‌ای است که پژوهش حاضر قصد پوشش آن را دارد.

ب. پژوهش‌ها درباره نقش انسان در نظام تکوین

مقاله «نقش انسان در شرور طبیعی از نگاه وحی و عقل» اثر ربانی گلپایگانی (۱۳۹۳ش) با تکیه بر مبانی عقلی و وحیانی، تأثیر خلیقات، اختیارات و باورهای انسان را در خیر یا شر بودن حوادث بررسی کرده است. این مقاله به جنبه‌های کلی نقش انسان در شرور طبیعی پرداخته است در حالی که پژوهش حاضر رویکردهای مختلف مفسران را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد

و به صورت جزئی به مسئله می‌پردازد.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد ساسانیان (۱۳۹۵ش) با عنوان «نقش انسان در شرور طبیعی از منظر قرآن و روایات» به ارتباط میان نوع گناهان اقوام و نوع عذاب‌های الهی پرداخته و نقش اعمال انسان را در بلایای طبیعی برجسته کرده است. هرچند در پایان‌نامه عنوان شده قرآن و روایات معیار است اما به صورت خاص، دقیق و عمیق یک آیه مورد بررسی قرار نگرفته است همچنین توجه به سیر تاریخی دیدگاه مفسران نیز مغفول مانده است.

رساله دکتری جعفرزاده (۱۴۰۱ش) با عنوان «تأثیر افعال اختیاری انسان در نظام تکوین از منظر آیات و روایات» به بررسی چیستی و چرایی تأثیر رفتارهای انسانی بر نظام خلقت پرداخته و ارتباط میان حوادث، ابتلائات تکوینی و اراده انسان را اثبات کرده است. شکاف پژوهشی در اینجا آن است که پژوهش حاضر به تحلیل تاریخی سیر تفسیر یک آیه خاص پرداخته و تطور برداشت‌های تفسیری آن را در طول زمان واکاوی کرده است.

به صورت کلی نوشتار حاضر با تمرکز بر آیه ۱۱ سوره تغابن و تحلیل تطور رویکردهای تفسیری به رابطه بلا و ایمان، از دو جهت نوآورانه است: نخست آن که برخلاف مطالعات پیشین که نگاهی کلی به آیات و روایات داشته‌اند، این پژوهش به‌طور مستقل به بررسی این آیه پرداخته است؛ دوم آن که با تأکید بر سیر معرفتی مفسران، رویکردی متفاوت و معرفت‌محور در تحلیل تفاسیر اتخاذ کرده که زمینه فهمی عمیق‌تر از تحول دیدگاه‌ها را فراهم می‌سازد.

۲. مفهوم شناسی

در ادامه با توجه به دیدگاه لغویان به مفهوم‌شناسی واژه کلیدی پژوهش "مصیبت" پرداخته می‌شود.

۲-۱. معنای لغوی

برای دستیابی به معنای دقیق واژگان، نخست باید به منابع لغوی معتبر مراجعه کرد تا از خلال آن‌ها، هسته معنایی واژه استخراج شود. این هسته معنایی، چارچوبی فراهم می‌آورد که امکان فهم ژرف‌تر کاربردهای واژه را در متون مختلف فراهم می‌سازد. واژه «مصیبت» از ریشه «صوب» گرفته شده و در لغت به معنای باران آمده است؛ چنان‌که به ابری که باران‌زا باشد «صیب» گفته می‌شود (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹ه.ق، ۷: ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۲۱ه.ق، ۱۲: ۱۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۴ه.ق، ۱: ۱۶۴؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ۱: ۵۳۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۶: ۲۹۲) این معنا بر پایه شعری است که می‌گوید: «فَلَسْتَ لِإِنْسِيٍّ وَ لَكِنْ لِمَلَأَكِ تَنْزَلُ مِنْ جَوِّ السَّمَاءِ يَصُوبُ» که در آن، مفهوم فرود آمدن از آسمان و نشانه‌گیری به‌عنوان معنای ضمنی واژه برداشت می‌شود (نک: جوهری، ۱۴۰۴ه.ق، ۱: ۱۶۵؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ۱: ۵۳۴) در همین راستا، در زبان عربی به کسی که در بیابان از مسیر خود منحرف شده باشد، گفته می‌شود: «أَقِمَّ صَوْبَكَ»؛ یعنی به سوی هدف خود بازگردد. همچنین، فردی که بدون انحراف در مسیر مستقیم حرکت می‌کند، «مستقیم الصَّوب» نامیده می‌شود (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹ه.ق، ۷: ۱۶۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ه.ق، ۱۲: ۱۷۷؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ۱: ۵۳۶) ابن‌فارس در تحلیل ریشه «ص و ب» تصریح می‌کند که این اصل دلالت بر نزول، استقرار و ثبات دارد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ه.ق، ۳: ۳۱۷-۳۱۸). راغب اصفهانی نیز «الصَّوب» را به معنای اصابت و رسیدن معنا کرده و معتقد است افعال «صَابَهُ»، «أَصَابَهُ» و «صَوَّبَ» زمانی به کار می‌روند که باران به اندازه‌ای نازل شود که سودمند باشد وی در ادامه، ریشه «مصیبت» را به تیراندازی نسبت می‌دهد که بعدها معنای دشواری و سختی به آن افزوده شده است (راغب، ۱۳۷۴ش، ۲: ۴۲۶). احمد بن یحیی بر این باور است که واژه «مصیبت» در اصل از «مُصُوبَةٌ» مشتق شده است (نک: به نقل از ازهری، ۱۴۲۱ه.ق، ۱۲: ۱۷۷؛ به نقل از ابن‌منظور، بی‌تا، ۱: ۵۳۵).

بر این اساس، معنای بنیادین «مصیبت» را می‌توان «رسیدن چیزی از بالا» دانست؛ چرا که در معنای نخست «صوب» نیز به «نزول المطر» اشاره شده است و نزول، به‌طور طبیعی دلالت بر حرکت از بالا به پایین دارد. به نظر می‌رسد میان مفهوم «نزول» و «نشانه‌گیری» ارتباطی وجود دارد؛ زیرا هر دو حامل نوعی جهت‌مندی و هدف‌گرایی‌اند که در ساختار معنایی واژه «مصیبت» بازتاب یافته است.

۲-۲. معنای اصطلاحی

در حوزه علوم دینی، واژه «مصیبت» مفهومی عام دارد که هم رخدادهای خیر و هم شر را در بر می‌گیرد؛ با این حال، معنای ارتكازی این واژه ناظر به حوادث ناگوار است (نک: راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ذیل واژه صوب؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ذیل واژه مصیبت). همچنین مصطفوی می‌گوید: مصیبت سختی و بلایی است که نازل می‌شود (نک: مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ذیل واژه صوب).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود، با تأیید همین معنای رایج و ارتكازی از «مصیبت» به عنوان رخداد ناگوار، تحلیل خود از آیه را آغاز می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۹: ۲۹۳). مفسران دیگر نیز در تفسیر آیات مرتبط، به همین جنبه از «مصیبت» توجه کرده‌اند و آن را به وضعیت دشواری تعبیر کرده‌اند که بر انسان تحمیل می‌شود (نک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۲۷: ۶۰۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۲: ۱۰۱؛ طوسی، بی تا، ۱۰: ۲۳). این برداشت نشان می‌دهد که «مصیبت» در ذهن و زبان دینی، بیش از آن که به معنای عام خود ارجاع دهد، حامل بار معنایی منفی و دردناک است.

با این حال، باید توجه داشت که تجربه مصیبت‌ها همواره با پیامدهای روانی چون اندوه، افسردگی و رنج همراه است، اما در نگاه الهی، این رخدادهای صرفاً جنبه آزمایشی دارند و یکی از اهداف متعالی خداوند از وقوع مصائب، رساندن خیر به بندگان و فراهم ساختن زمینه‌ای برای آزمون و پاداش است. به تعبیر دیگر، مصیبت‌ها ابزار ابتلاء الهی‌اند که در نهایت می‌توانند موجب تعالی انسان شوند (نک: قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۲۷۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ش، ۳: ۵۷).

۳-۲. الفاظ مرتبط با معنای مصیبت

واژه «مصیبت» در پیوندی معنایی با اصطلاحاتی چون «ابتلا» و «اختبار» قرار دارد، چرا که یکی از کارکردهای اصلی مصیبت، آزمودن انسان‌هاست. «ابتلا» به معنای قرار دادن فرد در شرایط دشوار با هدف آشکار ساختن حقیقت درونی اوست؛ به عبارت دیگر، انسان در مواجهه با سختی‌ها، آنچه در دل دارد را بروز می‌دهد و در این مسیر یا به اطاعت از پروردگار روی می‌آورد یا گرفتار مصیبت می‌شود. در مقابل، «اختبار» به معنای آگاهی‌یافتن از نحوه برخورد انسان با نعمت‌ها و مصائب است. بنابراین، در حالی که ابتلا صرفاً ناظر به آزمون در شرایط سخت است، اختبار دو سویه مثبت و منفی را در بر می‌گیرد و از این حیث، مفهومی عام‌تر از ابتلا دارد (نک: عسکری، ۱۴۰۰ه.ق، ۲۱۱).

از دیگر واژگان مرتبط با «مصیبت»، واژه «حزن» است؛ چرا که مصیبت یکی از عوامل ایجاد اندوه و غم در انسان‌هاست و می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش حالت «حزن» شود. این اندوه گاه شدت می‌گیرد و به مرحله‌ای می‌رسد که به صورت «بَثّ» یعنی ابراز آشکار غم، نمود می‌یابد. همچنین، «کرب» نیز از حالات روانی مرتبط با مصیبت به‌شمار می‌رود. در واقع، مصیبت نقطه آغاز زنجیره‌ای از احساسات است که از «حزن» پنهان آغاز می‌شود، به «بَثّ» آشکار می‌رسد و در نهایت به «کرب» فشرده ختم می‌گردد؛ که در ادامه، تفاوت‌های معنایی این مفاهیم مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه «کرب» از نزدیک‌ترین مفاهیم به «حزن» است، اما تفاوت آن‌ها در شدت و نحوه بروز غم نهفته است. «حزن» به معنای انباشت اندوهی است که به صورت سخت و سنگین در دل جای گرفته و از ریشه‌ای گرفته شده که به زمین سخت و محکم اشاره دارد. در مقابل، «کرب» به معنای تجمع غم همراه با فشار در سینه و تنگی نفس است؛ به همین دلیل، روز بسیار گرم را «یوم کرب» می‌نامند، زیرا در آن افراد دچار تنگی و فشار می‌شوند. همچنین، تعبیر «رجل کرب» به مردی اطلاق می‌شود که گرفتار اندوه و تنگی سینه است و «کربه» به حالتی اشاره دارد که فرد را غم و فشار فرا گرفته باشد (نک: عسکری، ۱۴۰۰ه.ق، ۲۶۲).

از دیگر واژگان مرتبط با «حزن»، واژه «بَثّ» است که از نظر معناشناسی تفاوت بنیادینی با آن دارد. «بَثّ» به معنای آشکار ساختن غم و اندوه است و شدت آن از «حزن» بیشتر است؛ به‌گونه‌ای که صاحب آن دیگر توان پنهان‌سازی ندارد و ناگزیر آن را ابراز می‌کند یا به کسی شکایت می‌برد. در مقابل، «حزن» شدیدترین نوع اندوهی است که در دل پنهان می‌ماند. به‌طور کلی، «بَثّ» آن چیزی است که انسان آشکار می‌سازد و «حزن» آن چیزی است که در دل نهفته و آرام گرفته است (نک: عسکری، ۱۴۰۰ه.ق، ۲۶۲؛ جزائری، ۱۴۲۴ه.ق، ۶۵).

۳. آیه ۱۱ تغابن

در این قسمت به بررسی دلالتی آیه «ما أصاب من مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن: ۱۱) و دیدگاه مفسران پرداخته می‌شود.

۳-۱-۳. تبیین دیدگاه مفسران

در این بخش، دیدگاه مفسران از قرن دوم تا پانزدهم در سه دوره متقدمان، متأخران و معاصران بررسی می‌شود تا تأثیر گذر زمان بر نوع خوانش و تفسیر قرآن روشن گردد. هدف، تحلیل تحول رویکردهای تفسیری در بستر تاریخی است.

۳-۱-۳-۱. مفسران متقدم

مبنای تفاسیر متقدم در نوشتار حاضر قرن دوم تا سیم است.	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ»	«وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۲	مقاتل	ایمان به خداوند در مصیبت، مصیبت را از سوی خدا دانستن و تسلیم امر او شدن (نک: بلخی، ۱۴۲۳ق، ۴: ۳۵۲).	هدایت به استرجاع توسط خداوند (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) (همان: ۳۵۳).
۳	قمی	-	تصدیق پروردگار در قلب توسط بنده، روشن کردن راه از سوی خداوند، افزایش هدایت از سمت الله (نک: قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۳۷۲).
۴	بحر العلوم	هر آنچه که به بنی آدم میرسد از سختی، بیماری و مرگ نزدیکان، همه ناشی از اجازه، اراده و علم پروردگار است (نک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۴۵۶-۴۵۷).	ایمان به خدا، مصیبت را از جانب خدا دانستن، تسلیم و راضی شدن به آن، «یَهْدِ قَلْبَهُ» یعنی صبر در برابر آزمایش، شکر در برابر نعمتها، بخشش در برابر ظلم، هدایت قلب توسط خداوند برای استرجاع (یادآوری) و موفق ساختن بنده در آن امر (همان: ۴۵۷).
۴	ابن ابی زمنین	قضای الهی (نک: ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴ق، ۲: ۴۲۲).	تسلیم و رضایت در برابر مصیبت و آن را از جانب خدا دانستن (همان).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۵	التبیین فی تفسیر	اصابت مصیبت، فقط با اجازه خداوند (عمومی)، دلیل حکمت خداوند است؛ منظور از اجازه میتواند علم باشد، هیچ مصیبتی نمیرسد مگر به علم خداوند (نک: طوسی، بی تا، ۱۰: ۲۲-۲۳).	ایمان به خدا و اعتراف به وحدانیت، حکم به هدایت بنده، شرح صدر برای ایمان، تسلیم و رضایت در برابر مصیبتی که از سوی خداست، صبر در برابر ابتلا، شکر در برابر نعمت، بخشش در برابر ظلم، قرائت ابوبکر: يَهْدِ قَلْبَهُ، آرامش بخشیدن به قلب (همان: ۲۳).	هیچ چیز بر او مخفی نیست (همان).
۵	الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی	اراده و قضای او (نک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۹: ۳۲۲).	رسیدن مصیبت فقط با اجازه خداوند؛ مومن، راضی و تسلیم به مصیبت است؛ در نتیجه از جانب خدا دانستن و صبر و رضا در برابر آن، نعمت و رفاه را از خدا دانستن و شکر برای آنها، «نهد قلبه» یعنی تعظیم (همان).	-
۶	جوامع الجامع	مصیبت خواست و مقدر پروردگار، اجازه خداوند برای رسیدن مصیبت (نک: طبرسی، ۱۳۷۵ش، ۶: ۳۳۹).	کشایش دل توسط خدا برای کار خیر و بندگی، هدایت دل هنگام مصیبت برای گفتن کلمه استرجاع، ابتلا، صبر؛ نعمت، شکر؛ ستم، بخشش؛ هدایت قلب از سمت خدا برای آگاهی بنده از مقدر بودن مصیبت، آنچه مقدر نیست نمی رسد (همان: ۳۴۰).	-

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۶	روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن	مصیبت ها فرمان / علم خدا (فعل عام)، آگاهی خداوند از مصیبت قبل از رسیدن به بنده، صلاح خدا در مصیبت، رضا و تسلیم بنده در برابر مصیبت (نک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۹: ۲۴۸).	هدایت دل، توفیق رضا و تسلیم؛ ذکر قرائت های مختلف، «نهد قلبه» به معنای تعظیم، «یهدأ قلبه» یعنی سکون دل (همان: ۲۴۸-۲۴۹).	خداوند بر همه چیز عالم است. (همان: ۲۴۹).
۶	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل	تقدیر و مشیت الهی، اجازه مصیبت با خداوند است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۵۴۹).	لطف خداوند، گشایش قلب جهت افزایش طاعت و خیر برای استرجاع هنگام مصیبت، هدایت قلب از سمت خدا، ابتلا، صبر؛ عطا، شکر؛ ظلم، بخشش؛ «یهدأ قلبه» یعنی اطمینان (همان).	او می داند لطف بر کدام دل ها تاثیر دارد/ ندارد، عطا یا دریغ بر اساس تاثیرگذاری لطف بر بنده (همان).
۶	مجمع البیان	در تعریف مصیبت آمده: صدمه و زیانی که به صاحبش میرسد، عدم اذن به ظلم توسط خدا، خاص کارهایی که خدا میکند/ صادر کردن فرمان، علم خدا به مصیبت (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰: ۴۵۱).	تصدیق خدا توسط بنده و راضی به قضا او بودن، مصیبت را از خدا دانستن، صبر در برابر مصیبت تا رسیدن اجر، ایمان به توحید، هدایت قلب برای استرجاع؛ ارشاد قلب با ابتلا، صبر؛ نعمت، شکر؛ ستم، بخشش؛ در زمان نعمت، ایمان به خدا و هدایت قلب به شکر، در زمان گرفتاری، مومن به خدا، عدل خدا، هدایت قلب برای شکیبایی، قضا و حکم خدا، مومن: هدایت قلب به تسلیم و رضا (همان: ۴۵۱-۴۵۲).	آگاهی خدا بر همه چیز و اعطای پاداش به اندازه عمل (همان: ۴۵۲).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۶	البعوی المسمی معالم التنزیل	به اراده و قضای او (نک: بغوی، ۱۴۲۰ق، ۵: ۱۰۴).	ایمان به خدا، تصدیق عدم رسیدن مصیبت، بدون اجازه پروردگار، هدایت قلب، توفیق آگاهی از آنچه به فرد رسیده، نمی توانسته او را ترک کند یا آنچه دور شده، نمی توانسته به او برسد، تسلیم به قضا و قدر الهی (همان).	-

الف. تحلیل و تبیین

تحول در فهم مفسران از آیات مرتبط با مصیبت و هدایت قلبی، نه صرفاً نتیجه رشد زبانی یا ادبی، بلکه بازتابی از تغییرات عمیق در فضای فکری، کلامی و اجتماعی جهان اسلام در سده‌های نخستین هجری است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰ش: ۱۱-۱۴۱). این تحول را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: تحول در نگاه به اراده الهی، تحول در تلقی از رابطه انسان با خدا، و تحول در جایگاه عقل و تجربه در تفسیر.

قرن دوم هجری: سادگی در مواجهه با مصیبت؛ در آغازین قرن‌های اسلامی، به‌ویژه در تفسیر مقاتل، فهم آیات مصیبت بر پایه تسلیم‌گرایی ساده و مستقیم استوار بود. مفسر، مصیبت را جلوه‌ای از اذن الهی می‌دانست و هدایت قلبی را به گفتن استرجاع و بازگشت به خداوند محدود می‌کرد (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۵۲-۳۵۳). این نگاه، متأثر از فضای ابتدایی جامعه اسلامی بود که هنوز درگیر پیچیدگی‌های کلامی و فلسفی نشده بود و بیشتر بر آموزه‌های تربیتی و اخلاقی تمرکز داشت. در واقع قرون دوم و سوم هجری را می‌توان دوره شکل‌گیری و تدوین نظام‌مند علوم اسلامی دانست؛ دورانی که در آن، شاخه‌هایی چون علم کلام و مکاتب کلامی پدید آمدند و به تدریج ساختار معرفتی جهان اسلام را بنیاد نهادند (پاکتچی، ۱۳۹۰ش: ۷۱-۷۲). این تحول، نقطه آغاز نهاده‌سازی دانش دینی و تفکیک رشته‌های تخصصی در مطالعات اسلامی محسوب می‌شود.

قرن سوم هجری: آغاز تأملات درونی؛ در تفسیر قمی، گرایش به تأملات قلبی و معرفتی آغاز می‌شود. هدایت قلبی به‌عنوان روشن‌سازی راه و افزایش ایمان مطرح می‌شود (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۷۲). این تحول، نتیجه گسترش آموزه‌های شیعی و تأکید بر باطن‌گرایی در فهم دین است؛ جریانی که به تدریج فهم از مصیبت را از سطح واکنش بیرونی به سطح معرفت درونی ارتقا داد. در قرن سوم هجری، با گسترش اندیشه‌های اهل بیت (ع) و شاگردان آنان، علوم اسلامی مانند لغت، ادبیات و عرفان رشد چشم‌گیری یافت و زمینه تدوین آثار مستقل تفسیری فراهم شد (علوی مهر، ۱۳۸۸ش: ۱۵۷).

قرن چهارم هجری: تثبیت نگاه حکمی و تربیتی؛ در آثار بحر العلوم و ابن ابی زمنین، مصیبت‌ها به‌عنوان تجلی علم، اراده و قضا الهی تفسیر می‌شوند. هدایت قلبی به صبر، شکر، بخشش و موفقیت در استرجاع تعبیر می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۲۲). این تحول، بازتابی از تثبیت آموزه‌های کلامی و تربیتی در جهان اسلام است (نک: علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۱۶۹)؛ جایی که مصیبت به ابزار رشد روحی و اخلاقی تبدیل می‌شود.

قرن پنجم هجری: ورود عقل و حکمت به تفسیر؛ در تفسیر التبیان، تحلیل آیات با رویکردی عقل‌گرایانه و حکمی انجام می‌شود. مصیبت‌ها با اذن الهی رخ می‌دهند، اما این اذن می‌تواند به معنای علم باشد. همچنین، مصیبت‌هایی که در آن ظلم

باشد، از دایره اذن الهی خارج اند (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۲-۲۳). هدایت قلبی به شرح صدر، آرامش، و تسلیم تعبیر می‌شود. این تحول، نتیجه ورود عقل فلسفی و منطق کلامی به عرصه تفسیر است، به طوری که قرن ۵ از نظر پیشرفت علوم، به ویژه علوم عقلی و تحلیلی و استدلال در مطالب درینی از قرون درخشان اسلام به شمار می‌رود. یافت (علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۲۱۳-۲۱۵).

قرن ششم هجری: بلوغ عرفانی و باطنی در تفسیر؛ در این قرن، تفاسیر طبرسی، ابوالفتح رازی، زمخشری و بغوی، فهم آیات را به سطحی عرفانی و باطنی ارتقا می‌دهند. هدایت قلبی به عنوان توفیق برای صبر، شکر، بخشش و سکون دل مطرح می‌شود. قرائت‌های مختلف از آیه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، مانند «یهدأ قلبه» به معنای آرامش و اطمینان (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۵۱-۴۵۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۰۴). این تحول، نتیجه گسترش تصوف، عرفان نظری و تأکید بر تجربه زیسته در فهم دین است.

براین اساس، تحول در فهم آیات مصیبت و هدایت قلبی، متناظر با تحولات تاریخی در جهان اسلام، از سادگی تسلیمی به پیچیدگی عرفانی و تربیتی رسیده است. چرا که در قرن پنجم، با پیدایش استدلال عقلی و اختلافات کلامی، اجتهاد آغاز شد و در قرن ششم، زمینه‌ساز تنوع روش‌های اجتهادی گردید (علوی مهر، ۱۳۸۸ش: ۲۴۳). در هر دوره، شرایط فکری و اجتماعی خاص، نوعی از تفسیر را برجسته کرده است: از تسلیم در برابر قضا، تا تأمل در حکمت، و نهایتاً تجربه باطنی از هدایت الهی.

بنابراین، در تفاسیر متقدم، مصیبت‌ها جلوه‌هایی از اراده و علم الهی تلقی می‌شوند که در چارچوب حاکمیت مطلق خدا معنا می‌یابند. این نگاه، رنج را به سطحی از حکمت و تربیت ربوبی ارتقا می‌دهد و ایمان را از باور ذهنی به کنشی زیسته بدل می‌سازد؛ کنشی که با صبر، شکر و تسلیم، تعالی روحی را رقم می‌زند. هدایت قلبی در این منظومه، نشانه‌ای از آمادگی درونی برای پذیرش حکمت الهی است و شکرگزاری زمانی اصیل است که نعمت‌ها تجلی لطف خداوند دانسته شوند. بخشش در برابر ظلم نیز به عنوان کنشی اخلاقی، بیانگر بلوغ ایمانی در مواجهه با رنج‌های اجتماعی است.

از قرن ششم به بعد، آیه «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» پشتوانه معرفتی این رویکرد شد؛ مفسران با تأکید بر علم مطلق الهی، لطف الهی را متناسب با نیت‌ها و ظرفیت‌های درونی انسان تفسیر کردند. این نگاه، ایمان را به نیرویی برای معنا بخشی به مصیبت و بازسازی رابطه‌ای فعال میان انسان و خدا تبدیل می‌کند.

۲-۱-۳. مفسران متأخر

در این قسمت به تفاسیر قرن ۷ تا ۱۳ پرداخته می‌شود.

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۷	الجامع لأحكام القرآن	اراده و قضای الهی، امر خدا، علم خدا، اشاره به سبب نزول، مصیبت به نفس، مال، قول، فعل موجب آزمایش، عذاب فوری/ آخرتی که همه تحت علم و قضای پروردگار است (نک: قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱۸: ۱۳۹).	تصدیق خدا، عدم رسیدن مصیبت بدون اجازه خدا، صبر و رضا، ثابت نگه داشتن بنده برای ایمان، ایمان صحیح هدایت قلب از طرف خدا برای پیروی از سنت‌ها، ایمان به خدا هدایت قلب زمان مصیبت، ابتلاء، صبر؛ نعمت، شکر؛ ظلم، بخشش؛ از جانب خداوند هدایت قلب مومن به سوی پاداش در بهشت، ذکر قرائت‌های گوناگون (مانند تفاسیر گوناگون) (همان: ۱۳۹-۱۴۰).	آگاهی خدا از تسلیم بندگان واقعی (همان: ۱۴۰).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۸	أنوار التنزیل و أسرار التأویل	تقدیر و اراده الهی (نک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۲۱۸).	ثبات و استرجاع هنگام وقوع مصیبت، ذکر قرائت های گوناگون (همان).	خداوند بر همه چیز دانا است حتی بر قلبه‌ها و احوالات (همان).
۸	البحر المحيط فی التفسیر	در تعریف مصیبت آمده رزیت، امر ناخوشایند برای بنده در نفس، مال، فرزند، گفتار، عمل، تمام حوادث با اجازه پروردگار، مصیبت هر رخداد خیر و شر، البته بر اساس حکمت است (نک: اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۱۰: ۱۹۰).	ایمان به خدا، تصدیق وجود او، همه حوادث قضا الهی، قلب به سمت هدایت و خیر، ذکر قرائت های گوناگون (همان): ۱۹۰-۱۹۱).	-
۹	الجلالین	قضا الهی (نک: محلی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۵۶۰).	مصیبت را قضا الهی دانستن و صبر بر آن (همان).	-
۱۰	منهج الصادقین فی إلزام	جهت تسلی اصحاب مصیبت: فرمان و اراده خدا است، مصیبت یعنی آنچه از خدا به بنده رسد (قحطی، بیماری، گرفتاری و...)، احاطه علم و قدرت خدا، صلاح خدا برای بنده، امتحان صبر و ثبات، علم خدا بر مصیبت (نک: کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۹: ۳۰۳).	ایمان به خدا، رسول و معتقد به هر آنچه می رسد خیر و صلاح اوست، ثابت و استوار کردن دل بنده از سمت خدا بر ایمان، گشایش و زیاد کردن طاعت و خیرات، هدایت به سمت استرجاع، تسلیم و رضا به قضا و قدر، نعمت، شکر؛ مصیبت، صبر؛ تصدیق خدا و شکر در عطای نعمت؛ بلا، عدل الهی، صبر، تسلیم (همان: ۳۰۳- ۳۰۴).	دانایی خدا نسبت به همه چیز، لطف برای قلوبی که در آن اثر دارد، منع لطف برای قلوبی که اثر ندارد، عالم نسبت به صبر، شکر، جزع، کفر؛ همهانگ با آن جزا و سزا (همان: ۳۰۴).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۱۰	زبده التفاسیر	تقدیر، علم، اراده خدا، اجازه مصیبت (نک: کاشانی، ۴۲۳ق، ۷: ۸۲).	تصدیق خدا و راضی به قضای او، لطف خدا، گشایش قلب برای افزایش طاعت، خیر، ثبات برآن، استرجاع (بازگشت به خدا) در هنگام مصیبت، ابتلا، صبر؛ ظلم، بخشش؛ پیدا کردن قلب توسط مومن و هدایت به سمت آن، کافر، دور شدن از قلب و بی خبری (همان).	او می داند لطف بر کدام دلها تاثیر دارد/ ندارد، براین اساس عطا یا منع (همان).
۱۱	الصافی	تقدیر و مشیت الهی (مصیبت) (نک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۱۸۴).	تصدیق خدا در قلب توسط بنده، روشن کردن را توسط خدا، انتخاب هدایت از سمت بنده، افزایش هدایت از جهت خدا، نوسان قلب میان سینه و گلو تا زمان ثابت شدن ایمان، آرام شدن قلب زمان اثبات (همان).	دانایی خدا از قلب و احوالات (همان).
۱۱	لاهیجی	به فرمان / علم خدا، تقدیر، مشیت، صلاح بندگان، امتحان به صبر و شکر (نک: اشکوری، ۱۳۷۳ش، ۴: ۴۹۲).	ایمان به وحدانیت خدا، ثابت کردن دل بر ایمان توسط خدا، استرجاع (همان).	دانایی خدا بر همه چیز، لیاقت یا عدم لیاقت قلوب برای هدایت (همان).
۱۲	روح البیان	مصیبت های دنیوی در بدن، فرزند و اموال فقط با اجازه خدا، مصیبت، پاداش صبر/ کفاره گناهان، حکمت داشتن مصیبت، یقین انسان به خدا، از قدرت خود پی به قدرت خدا، مشکلات بر انبیا جهت دیدن معجزات و کرامات از سوی مردم است (حقی برسوی، بی تا، ۱۰: ۱۳).	تصدیق و مصیبت را از خدا دانستن، اصل ایمان به خدا، هدایت قلب توسط خدا، ثابت ماندن و استرجاع، راضی به قضای الهی، صبر بر بلا، تسلیم امر خدا، گشایش قلب توسط خدا برای افزایش طاعت و هدایت، هدایت قلب برای پیروی از سنت ها، شناخت ذات خدا مستلزم شناخت صفات خدا، ذکر قرائت های مختلف (همان: ۱۳-۱۴).	آگاهی خدا بر همه چیز، دل ها (قلب)، حالات، تسلیم فرمان او، نارضایتی ها، آفات و خلوص انسان از آن ها، آگاهی از مؤمن خالص، هدایت قلب او (همان: ۱۴).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۱۲	کنز الدقائق و بحر الغرائب	تقدیر و اراده الهی در مصیبت (نک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ۱۳: ۲۸۲).	ثبات و استرجاع زمان وقوع مصیبت ها، قلب در میان سینه و گلو نوسان دارد تا بر ایمان ثابت شود، آرام شدن زمان ثبات ایمان (همان).	آگاه / دانا بر قلب ها و احوال (همان).
۱۳	القرآن الکریم	قضا و علم الهی (نک: شبیر، ۱۴۱۰ ق، ۱: ۵۲۰).	ثابت ماندن صبر در برابر مصیبت، کمک به بنده (لطف)، برای افزایش خیر و نیکی (همان).	آگاه بر احوال قلب (همان).
۱۳	المظهری	تقدیر و اراده الهی برای اجرا مصیبت (نک: مظهری، ۱۴۱۲ ق، ۹: ۳۱۴).	تصدیق خدا، مصیبت را از جانب خدا دانستن، هدایت قلب توسط خدا، توفیق برای صبر، رضا و تسلیم، عدم پذیرش اعمال خوب بدون ایمان واقعی داشتن (اهمیت ایمان) (همان).	آگاه بر قلب و احوال (همان).

ب. تحلیل و تبیین

با گذر از قرون نخستین اسلامی و ورود به قرون میانه، تفسیر قرآن از سطح گزارش‌های روایی و تربیتی به سطحی فلسفی، عرفانی و روان‌شناختی ارتقا یافت. این تحول، نتیجه گسترش مکاتب کلامی، ظهور عرفان نظری، و تعمیق تجربه دینی در جوامع اسلامی بود (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰ ش، ۱۳۰-۱۴۴). آیات مرتبط با مصیبت، هدایت قلبی و علم الهی نیز در این بستر، بازخوانی شدند و معانی تازه‌ای یافتند.

قرن ۷ هجری: آغاز تحلیل‌های چندلایه و توجه به باطن ایمان؛ در تفسیر الجامع لأحكام القرآن، مصیبت نه تنها به‌عنوان قضا و اراده الهی، بلکه به‌مثابه آزمونی چندوجهی در نفس، مال، گفتار و کردار معرفی می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۸، ص ۱۳۹). این نگاه، متأثر از گسترش فقه و کلام مالکی در اندلس است که به تحلیل‌های دقیق‌تر از سبب نزول و حکمت الهی توجه داشت (علوی مهر، ۱۳۸۸ ش، ۲۸۰-۲۸۱؛ معرفت، ۱۳۹۴ ش، ۲: ۲۹۴). هدایت قلبی نیز به‌عنوان ثبات در ایمان، پیروی از سنت‌ها، و آمادگی برای پاداش اخروی تفسیر می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۸، ص ۱۴۰). این تحول، نشان‌دهنده ورود عنصر تربیتی و اخلاقی به تفسیر است. آگاهی خداوند از تسلیم بندگان، به‌عنوان نشانه‌ای از علم الهی به باطن انسان‌ها مطرح می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۸، ص ۱۴۰).

قرن ۸ هجری: تثبیت نگاه عرفانی و تأکید بر تجربه قلبی؛ در تفاسیر أنوار التنزیل و البحر المحیط، مصیبت‌ها به‌عنوان تجلی تقدیر الهی و حکمت در حوادث خیر و شر تفسیر می‌شوند (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۲۱۸؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۰). این نگاه، متأثر از رشد تصوف و عرفان نظری است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰ ش، ۱۳۰-۱۴۴) که به تجربه درونی مؤمن در مواجهه با بلا توجه داشت. هدایت قلبی، به‌عنوان ثبات، استرجاع، و حرکت به‌سوی خیر معنا می‌شود. ذکر قرائت‌های مختلف نیز

نشان دهنده توجه به تنوع معنایی و لایه‌های زبانی آیات است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۱۸؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۹۰).

قرن ۹ هجری: ساده‌سازی و تثبیت مفاهیم در تفاسیر آموزشی؛ در تفسیر الجلالین، آیات با اختصار و وضوح تفسیر شده‌اند. مصیبت به‌عنوان قضا الهی و صبر بر آن معرفی می‌شود (محلی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۶۰). این سبک، متناسب با هدف آموزشی و عمومی این تفسیر است که برای تدریس و حفظ طراحی شده بود.

قرن ۱۰ هجری: بازگشت به تفسیر تربیتی با تأکید بر حکمت الهی؛ در آثار ملا فتح‌الله کاشانی (منهج الصادقین و زبده التفاسیر)، مصیبت‌ها به‌عنوان ابزار امتحان الهی، نشانه صلاح خدا برای بندگان، و زمینه‌ساز رشد طاعت و خیرات تفسیر می‌شوند (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۹، ص ۳۰۳؛ ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۸۲). هدایت قلبی، به‌عنوان لطف الهی، گشایش درونی، و آمادگی برای استرجاع و تسلیم معنا می‌شود (همان). این نگاه، متأثر از گرایش‌های اخلاقی و عرفانی شیعی در دوره صفوی است که به تربیت قلب و تهذیب نفس توجه ویژه داشت (نک: علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۳۰۱-۳۰۳).

قرن ۱۱ هجری: تعمیق عرفان قلبی و تحلیل روان‌شناختی ایمان؛ در تفاسیر فیض کاشانی (الصافی) و شریف لاهیجی، قلب انسان به‌عنوان مرکز نوسان میان شک و یقین معرفی می‌شود. هدایت قلبی، فرآیندی است که با تصدیق، انتخاب، و آرامش در ایمان همراه است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۸۴؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۴۹۲). این تحول، نتیجه گسترش عرفان شیعی و تأکید بر باطن‌گرایی در فهم دین است. علم الهی نیز به‌عنوان آگاهی از لیاقت قلوب برای هدایت معنا می‌شود (نک: علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۳۰۱-۳۰۳).

قرن ۱۲ هجری: عرفان تجربی و پیوند میان صفات الهی و حالات انسانی؛ در تفسیر روح‌البیان، مصیبت‌ها به‌عنوان کفاره گناهان، زمینه‌ساز یقین، و نشانه‌ای از قدرت خداوند معرفی می‌شوند. هدایت قلبی، به‌عنوان شناخت صفات خدا، پیروی از سنت‌ها، و خلوص در بندگی معنا می‌شود (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۳-۱۴). این نگاه، متأثر از عرفان تجربی عثمانی است که به پیوند میان صفات الهی و حالات انسانی توجه داشت (نک: علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۳۱۵). علم الهی نیز شامل آگاهی از نارضایتی‌ها، آفات، و خلوص مؤمنان است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۴).

قرن ۱۳ هجری: تثبیت نهایی مفاهیم عرفانی و اخلاقی؛ در تفاسیر قمی مشهدی (کنز الدقائق)، شبر، و مظهری، مصیبت‌ها به‌عنوان تقدیر الهی، هدایت قلبی به‌عنوان ثبات، استرجاع، و توفیق برای صبر و رضا، و علم الهی به‌عنوان آگاهی از احوال قلب‌ها تفسیر شده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۳، ص ۲۸۲؛ شبر، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۰؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۳۱۴). این دوره، دوره تثبیت نهایی مفاهیم عرفانی و اخلاقی در تفسیر قرآن است؛ جایی که تجربه قلبی، شناخت صفات الهی، و تربیت درونی مؤمن به اوج خود می‌رسد (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰ش، ۱۹۴-۱۹۵). براین اساس، تحول در فهم آیات مصیبت، هدایت قلبی و علم الهی در تفاسیر قرون ۷ تا ۱۳ هجری، بازتابی از تحول در جهان‌بینی اسلامی است. از فقه و کلام تا عرفان و اخلاق، هر دوره با توجه به نیازهای فکری و اجتماعی خود، لایه‌ای تازه به فهم این آیات افزوده است.

بنابراین، در فاصله قرون هفتم تا سیزدهم هجری، تفسیر آیات مرتبط با مصیبت دچار تحول معرفتی چشمگیری شد. مفسران این دوره، ضمن حفظ باور به اراده و علم الهی در وقوع مصیبت، آن را با مفاهیمی چون تربیت، آزمون و مسئولیت اخلاقی پیوند دادند. در قرون هشتم تا دهم، مصیبت به‌عنوان آزمونی الهی برای رشد روحی و سنجش میزان تسلیم انسان در برابر حکمت خداوند تفسیر شد. مفهوم «ثبات ایمان» در آیه «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» به‌عنوان شرط هدایت قلبی برجسته گردید.

در قرون یازدهم تا سیزدهم، این تحول به اوج رسید؛ ایمان واقعی شرط پذیرش اعمال نیکو دانسته شد و آرامش قلبی، نشانه تربیت الهی تلقی گردید. علم الهی به باطن انسان‌ها، معیار عدالت در پاداش و جزا معرفی شد و نیت، صداقت و عمق ایمان، مبنای سنجش الهی قرار گرفت. نتیجه این تحول، ارتقای رابطه انسان با خدا از سطح رفتاری به سطحی باطنی و معرفتی است؛ جایی که ایمان نه‌تنها شرط هدایت، بلکه ابزار معنابخشی به رنج و بازسازی نگاه انسان به مصیبت‌هاست.

۳-۱-۳. مفسران معاصر

این بخش به تفسیرهای قرن ۱۴ و ۱۵ اختصاص دارد.

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۱۴	انوار درخشان در تفسیر قرآن	توحید افعالی پروردگار، وقوع حوادث خوشایند و ناخوشایند به اذن پروردگار، همه جهان در احاطه قدرت و تصرف او، تاثیر/عدم تاثیر اعمال بر طبق صلاح و حکمت الله، اذن پروردگار، نیرویی پنهان در خلق و آفرینش که در شرایط خاص بروز می یابد؛ عدم استقلال علت ها، اسباب، تاثیر، افعال اختیاری بشر تحت اراده و اذن خدا؛ گناهان، نظام آزمایش پروردگار؛ نظام رهبری و هدایت، امر و نهی؛ ارشاد؛ هر دو نظام در طول و هماهنگ با هم (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۶: ۴۰۵-۴۰۶).	اعتقاد به اصل توحید (توحید افعالی پروردگار)، هدایت از جانب خدا، هنگام وقوع مصیبت، عطا کردن صبر؛ نعمت، شکرگزاری و از فضل خدا دانستن؛ ظلم، دفاع (همان: ۴۰۶-۴۰۷).	هر چه در جهان رخ می دهد پرتویی از علم و اذن الهی است (همان: ۴۰۷).
۱۴	تفسیر کاشف	ظاهراً، هر بدی بر مبنا قضا و قدر الهی است؛ اصل، منشا مصیبتی که به انتخاب نادرست فرد وابسته است، اعمال انسان (نک: مغنیه، ۱۳۷۸ش، ۷: ۵۶۶).	برخورد خدا با بنده بر اساس انتخاب خود او، برگزیدن راه راست از سمت بنده، مشمول عنایت خدا قرارگرفتن و اعطای پاداش؛ برگزیدن گمراهی، خوارشدن، رهاکردن او توسط خدا، گرفتارشدن به عذاب سخت (همان).	خدا از کسانی که به خودشان رحم می کنند/ خودشان را در معرض هلاکت قرار می دهند، آگاهی دارد، رحمت/هلاک (همان).

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۱۴	المیزان	ذکر غرض سوره، تشویق مردم به انفاق، صبر در برابر مصیبت هایی که در راه مجاهدت تجربه می کنند، تعریف مصیبت به شرایطی که حادثه به انسان برخورد می کند، بیشتر حوادث ناخوشایند، تعریف اذن، عملی که پروردگار اجازه آن را صادر می کند (تکوینی نه تشریحی)، تعریف اذن به علم صحیح نیست، تأثیر همه چیز تحت اذن خدا، صبر بر مصیبت شامل مصیبت هایی که انسان در آن اختیار ندارد (مرگ، بیماری)، به کار بردن توانایی برای دفع مصائبی که انسان در آن دخیل است (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۹: ۵۰۹-۵۱۱).	مالک همه چیز خداست بدون اذن او هیچ چیزی حرکت نمی کند و قضای آن رد خور ندارد، اعتقاد به یگانگی خدا، رهنمون شدن انسان به سوی حقایق، آرامش بخشیدن به قلب، بدون مصلحت پروردگار هیچ امرناخوشایندی به وجود نمی آید، ایمان به خدا، صبر در برابر دستورات، استرجاع_علامه این تفسیر را قبول ندارد، ایمان به خدا و هدایت قلب توسط او؛ ابتلا، صبر؛ اعطای نعمت، شکر؛ ستم، بخشش (همان: ۵۱۱-۵۱۲).	تاکید بر استثنای آنچه گذشت؛ امکان دارد به آنچه سوره حدید افاده می کرد، اشاره داشته باشد(حدید: ۲۲) (همان: ۵۱۲)
۱۵	احسن الحدیث	عدم ناراحتی از گرفتاری به مصیبت ها در راه پروردگار (نک: قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش، ۱۱: ۱۹۶).	تسلیم خدا شدن، هدایت توسط الله برای فهمیدن حقایق (همان).	خداوند از روی علم مصیبت می فرستد / اشاره به حدید: ۲۲(همان)
۱۵	تفسیر قرآن مهر	توحید افعالی و اراده تکوینی خدا، عدم منافات این توحید با اراده انسان، اراده خدا بر مختار بودن انسان، ذکر انواع مصیبت ها شامل الف. حوادث طبیعی(زلزله)، عدم دخالت انسان، هدف آزمایش و رشد، پیروز شدن با کمک به دیگران و صبر، ب. نتیجه اعمال انسان (گناه)، جلوگیری از مشکلات با استغفار، تغییر روش (نک: رضایی، ۱۳۸۷ش، ۲۱: ۸۱-۸۲).	سنت الهی ایمان به خدا و راهنمایی انسان از درون او، مصادیق هدایت قلبی شامل صبر، شکر، رضایت، تسلیم در برابر خدا، بیان «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در وقوع مصائب، الهام، وحی از سمت فرشتگان و هر گونه راهنمایی خداوند هدایت قلبی است، نتیجه ایمان، راهنمایی انسان از درون او (همان: ۸۲).	-

قرن	تفسیر	«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»	«وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»	«وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
۱۵	تفسیر نمونه	وقوع مصائب به اذن خداست (توحید افعالی - اراده تکوینی)، تقسیم مصائب بر دو دسته: ۱. انسان نقشی ندارد (حوادث طبیعی فقط با اذن خدا)، ۲. به نحوی انسان اثر دارد (اعمال) حتی در این مورد هم تاثیر اسباب به فرمان خدا (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۲۴: ۱۹۸-۱۹۹).	ایمان به خدا، هدایت الهی، نعمت، شکر؛ مصیبت، صبر؛ قضا الهی، تسلیم؛ بیان «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، همه این موارد مفهوم واقعی آیه نیست بلکه مصادیق روشن آن است (همان: ۱۹۹).	اشاره به آگاهی و علم خدا از مصائب، تربیت بنده، نزول مصائب برای بیدار کردن و غفلت زدایی در راستای عدم طغیان و سرکشی (همان: ۱۹۹).

پ. تحلیل و تبیین

با ورود به دوران معاصر، تفسیر قرآن تحت تأثیر تحولات گسترده‌ای قرار گرفت؛ از جمله ظهور فلسفه‌های نوین اسلامی، گسترش علوم انسانی، تجربه‌های سیاسی و اجتماعی جدید، و بازخوانی مفاهیم قرآنی در پرتو عقلانیت و انسان‌گرایی (نک: معرفت، ۱۳۹۴ش، ۹: ۴۴۹-۴۵۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۸ش، ۳۲۶؛ پاکتچی، ۱۳۹۰ش، ۲۳۶-۲۳۷). این عوامل موجب شد که مفسران معاصر، آیات مرتبط با مصیبت، هدایت قلبی و علم الهی را با نگاهی جامع‌تر، عقل‌مدارتر و انسان‌محورتر تحلیل کنند.

قرن ۱۴ هجری: بازخوانی توحید افعالی و مسئولیت انسان؛ در تفسیر انوار درخشان، مصیبت‌ها نه تنها جلوه‌ای از اراده الهی، بلکه بخشی از نظام آزمایش و هدایت الهی معرفی می‌شوند. مفسر با تأکید بر توحید افعالی، همه حوادث را در احاطه قدرت خداوند می‌بیند و حتی افعال اختیاری بشر را نیز در طول اراده الهی معنا می‌کند. این نگاه، متأثر از فلسفه صدرایی و نظام حکمت متعالیه است که در عصر معاصر احیا شده است (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۴۰۵-۴۰۷).

در مقابل، تفسیر کاشف با رویکردی اجتماعی و تربیتی، منشأ مصیبت را در انتخاب‌های نادرست انسان می‌داند. این تحول، بازتابی از دغدغه‌های اخلاقی و اصلاح‌گرایانه در جهان عرب معاصر است که مسئولیت فردی را در برابر بلاها برجسته می‌سازد (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ص ۵۶۶).

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی با تفکیک میان اذن تکوینی و تشریحی، تلاش می‌کند تا مصیبت را در چارچوب نظام علی و معلولی معنا کند. او ضمن پذیرش اراده الهی، نقش انسان را در دفع یا تحمل مصیبت‌ها برجسته می‌سازد. این نگاه، حاصل تلفیق فلسفه اسلامی با تفسیر عقلی و عرفانی است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۵۰۹-۵۱۲).

قرن ۱۵ هجری: عقلانیت تربیتی و بازخوانی سنت‌های ایمانی؛ در احسن‌الحديث، مصیبت‌ها به‌عنوان زمینه‌ای برای تسلیم و فهم حقایق الهی معرفی می‌شوند. این نگاه، متأثر از گرایش‌های عرفانی و تربیتی در حوزه‌های شیعی معاصر است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۱، ص ۱۹۶). در تفسیر مهر، مصیبت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: حوادث طبیعی و نتایج اعمال انسان. این تقسیم‌بندی، نشان‌دهنده تلاش برای تلفیق توحید افعالی با مسئولیت انسانی است. مفسر، هدایت قلبی را به‌عنوان راهنمایی

درونی، الهام، و وحی معنا می‌کند؛ مفهومی که با روان‌شناسی دینی و تجربه‌گرایی عرفانی هم‌خوانی دارد (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۸۱-۸۲).

در تفسیر نمونه، مصیبت‌ها نیز به دو دسته تقسیم شده‌اند، اما با تأکید بر اینکه حتی در مواردی که انسان نقش دارد، تأثیر اسباب نیز تحت فرمان خداست. این نگاه، تلاش دارد تا توحید افعالی را با نظام علت و معلول هماهنگ سازد. هدایت قلبی، صبر، شکر، تسلیم و ذکر «إنا لله و إنا إليه راجعون» به‌عنوان مصادیق روشن آیه معرفی می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۱۹۸-۱۹۹). براین اساس، تحول در فهم آیات مصیبت، هدایت قلبی و علم الهی در تفاسیر قرون ۱۴ و ۱۵ هجری، بازتابی از تلاش مفسران برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معرفتی و اجتماعی دوران معاصر است. در این دوره، مفاهیم سنتی مانند قضا، قدر، هدایت و علم الهی، با رویکردهای فلسفی، تربیتی، عرفانی و اجتماعی بازخوانی شده‌اند (نک: معرفت، ۱۳۹۴، ج ۹، ص ۴۴۹-۴۵۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۸، ج ۳۲۶؛ پاکتچی، ۱۳۹۰، ج ۲۳۶-۲۳۷).

بنابراین، برخلاف رویکردهای پیشین که مصیبت را صرفاً جلوه‌ای از قضا و قدر می‌دانستند، مفسران معاصر آن را در چارچوب توحید افعالی و اذن تکوینی معنا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که همه افعال در هستی در نهایت به خداوند منتسب‌اند، بی‌آن‌که اختیار انسان نفی شود. این تحول، با تفکیک مصیبت‌ها به طبیعی و انسانی، انسان را از موضع انفعال به جایگاه مسئولیت‌پذیری ارتقا می‌دهد. مصیبت‌های طبیعی خارج از اراده انسان‌اند، اما مصیبت‌های انسانی حاصل انتخاب‌های نادرست‌اند و انسان را به بازنگری در رفتار خود فرا می‌خوانند. در تفسیر «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»، ایمان به‌عنوان پذیرش نقش خدا در همه افعال هستی تلقی می‌شود؛ مؤمن با انتخاب درست، به هدایت درونی و آرامش قلبی دست می‌یابد. در مقابل، انتخاب نادرست موجب محرومیت از عنایت الهی است. در پایان آیه، «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، مفسران قرون ۱۴ و ۱۵ بر علم مطلق خداوند به نیت‌ها و جهت‌گیری‌های درونی تأکید دارند. مصیبت‌ها در این نگاه، ابزار تربیت و بیدارسازی‌اند، نه صرفاً مجازات. برخی نیز با تفسیر قرآن به قرآن، آیه را با سوره حدید آیه ۲۲ مرتبط دانسته‌اند و بر نظم پیش‌نویس‌شده هستی تأکید کرده‌اند. در مجموع، این رویکرد معرفتی، رابطه انسان با خدا را از تسلیم منفعلانه به مشارکت آگاهانه ارتقا داده و ایمان را به نیرویی برای معنابخشی به رنج و رشد معنوی تبدیل کرده است.

۴. بررسی دیدگاه مفسران و ارائه نظر مختار

مرور تاریخی تفاسیر قرآن از قرن دوم تا پانزدهم هجری نشان می‌دهد که روند تفسیر آیات، به‌ویژه آیه مربوط به مصیبت‌ها، از سطحی ساده و سنتی به لایه‌هایی عمیق‌تر و تحلیلی‌تر حرکت کرده است. در قرون اولیه، مفسران بیشتر بر مفاهیمی چون اذن، اراده و علم الهی تأکید داشتند و وقوع مصیبت را در چارچوب مشیت خداوند تبیین می‌کردند. در این دوره، انسان با تصدیق و پذیرش اراده الهی، مشمول لطف و عنایت خداوند تلقی می‌شد، اما با نزدیک شدن به قرون چهاردهم و پانزدهم، به‌ویژه در دوره معاصر، به دلیل گسترش علوم انسانی، فلسفه و روش‌های تفسیری نوین، نگاه مفسران به آیات قرآن ژرف‌تر و چندلایه‌تر شده است. در تفاسیر متأخر، علاوه بر حفظ مبانی سنتی، به تعریف دقیق مصیبت، بیان مصادیق آن، نقش ایمان و پایداری انسان، و نتایج تربیتی و معرفتی آن پرداخته می‌شود؛ اموری که در تفاسیر پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در این میان، تفسیر المیزان علامه طباطبایی نقطه‌ی عطفی در تحلیل آیه مصیبت‌ها به‌شمار می‌رود. ایشان ضمن بررسی دیدگاه‌های مفسران پیشین، به تبیین مفاهیم نوینی چون توحید افعالی، اراده تکوینی خداوند، انواع مصیبت‌ها، نقش انسان در پیدایش آن‌ها، و آگاهی‌بخشی از طریق شناخت مصائب برای زدودن غفلت می‌پردازد. این رویکرد، تفسیر آیه را از سطح توصیفی به سطحی تحلیلی و تربیتی ارتقا می‌دهد.

در نتیجه، می‌توان گفت که تمامی تفاسیر در امتداد یکدیگر قرار دارند و تضادی میان آن‌ها نیست، بلکه هر دوره با توجه به ظرفیت‌های معرفتی خود، لایه‌ای از معنا را آشکار کرده است. نکته‌ی برجسته در تفاسیر معاصر، تأکید بر نقش انسان در مواجهه با مصیبت‌هاست؛ نوشتار حاضر در ادامه، با استناد به شواهد و قرائن، در پی تأیید و تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی خواهد بود.

۴-۱. بررسی دلالت آیه

برخی از مفسران به شرح واژه «مصیبت» پرداخته‌اند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰).

ص ۱۹۰)، اما برداشت آنان با معنای ریشه‌ای این واژه هم‌خوانی ندارد. «مصیبت» از ریشه «صوب» مشتق شده و در اصل به هر حادثه‌ای —چه خیر و چه شر— اطلاق می‌شود. با این حال، تفاسیر یادشده تنها به جنبه ناخوشایند آن، یعنی رخدادهای ناگوار که از سوی خداوند به انسان می‌رسد، توجه کرده‌اند. این در حالی است که حتی وقایع خوشایند نیز به اذن الهی به انسان می‌رسند و اعمال انسان نیز تنها با اجازه او مؤثر واقع می‌شوند (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۵۱۱). از این‌رو، تفسیر علامه طباطبایی که با معنای اصیل واژه «مصیبت» هم‌راستا است، تأیید می‌گردد.

۲-۴. توجه به غرض و ساختار سوره

سوره مبارکه تغابن، صد و دهمین سوره در فهرست ترتیب نزول ابن‌عباس است که در میان سوره‌های جمعه و صف قرار دارد (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۸). این سوره مشتمل بر ۱۸ آیه است و با توجه به سیاق آیات، در مدینه نازل شده است. نام «تغابن» برگرفته از آیه نهم این سوره است و به معنای احساس زیان، حسرت و پشیمانی می‌باشد. از اهداف اصلی این سوره می‌توان به تذکر توحید، یادآوری معاد و هشدار نسبت به غفلت انسان‌ها اشاره کرد، به گونه‌ای که آنان فرصت‌های زندگی را از دست ندهند و به انجام اعمال صالح بپردازند (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۶۹-۷۰).

با نگاهی کلی به مضمون سوره، دعوت خداوند به انفاق به‌وضوح قابل مشاهده است. در ادامه این دعوت، به فتنه‌های ناشی از مال و فرزندان اشاره شده که تکرار این مباحث با توجه به نیازهای سبک زندگی اسلامی در آن دوران صورت گرفته است. همچنین، در خصوص مصائبی که مؤمنان با آن مواجه می‌شوند، نکاتی مطرح گردیده است (نک: قطب، ۱۴۰۸ش، ج ۶، ص ۳۵۸۳). در مقام جمع‌بندی اغراض سوره، می‌توان گفت که آیات ۱ تا ۱۱ مقدمه‌ای برای هدف اصلی سوره محسوب می‌شوند؛ هدفی که آماده‌سازی مخاطبان برای انفاق در راه خداست. در همین راستا، به صبر در برابر مصائب این مسیر اشاره شده تا هیچ‌گونه عذری برای ترک انفاق و مجاهدت باقی نماند. مخاطبان باید بدانند که تمامی سختی‌ها و مصیبت‌ها از جانب خداوند است. این باور موجب می‌شود که مؤمنان در برابر دشواری‌ها خویشتن‌دار باشند و یقین داشته باشند که در نهایت به بهشت جاودان هدایت خواهند شد. در مقابل، کافران گرفتار عذاب ابدی خواهند شد (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۴۹۴-۴۹۵؛ ۵۰۹).

در غرض سوره، نقش انسان در مواجهه با مصیبت‌های زندگی به‌روشنی قابل درک است. انسان‌ها از سوی خداوند متعال با اختیار آفریده شده‌اند و این امکان را دارند که راه هدایت یا گمراهی را برگزینند. اگر راه راست را انتخاب کنند، به بهشت دست خواهند یافت. البته در این مسیر، از طریق مال و فرزندان مورد آزمایش قرار می‌گیرند و مصیبت‌هایی بر آنان نازل خواهد شد. مؤمنان باید به این درک برسند که مصیبت‌ها از جانب خداوند است و نحوه مواجهه با آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. از این‌رو، خداوند با نزول این سوره به پیامبر گرامی اسلام، قصد دارد مایه تسلی مؤمنان باشد و به آنان یادآور شود که مجاهدت در راه خدا با مصائب همراه است، اما سرانجام آن بازگشت به سوی خدا و دریافت پاداش الهی خواهد بود. در مقابل، کسانی که راه نادرست را برمی‌گزینند، دچار احساس زیان و حسرت شده و سرانجامشان گمراهی و عذاب الهی خواهد بود.

۳-۴. توجه به سیاق

واژه «سیاق» به معنای ساختار کلی‌ای است که بر کلمه، جمله یا آیه سایه می‌افکند و در نتیجه بر معنای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در دانش ساختارشناسی سوره‌ها، مجموعه آیاتی که از نظر لفظی و معنایی با یکدیگر مرتبط‌اند و یک مضمون واحد را بیان می‌کنند، «سیاق» نامیده می‌شود. بر اساس این تعریف، هر سوره شامل چندین سیاق است که با توجه به پیوندهای لفظی و محتوایی میان آیات قابل تشخیص‌اند (نک: خامه‌گر، ۱۳۹۶ش: ص ۲۲). توجه به سیاق، زمینه‌ساز فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر آیات قرآن کریم است.

سوره مبارکه تغابن از دو بسته سیاقی تشکیل شده است: آیات ۱ تا ۱۰ در بسته نخست و آیات ۱۱ تا ۱۸ در بسته دوم قرار دارند. علامه طباطبایی، بسته اول را مقدمه‌ای برای بسته دوم می‌داند که زمینه‌ساز ورود به مضمون اصلی سوره است. نخستین آیه از بسته دوم با طرح مسئله مصیبت‌ها و دعوت به صبر در برابر آن‌ها آغاز می‌شود تا مخاطب برای پذیرش مسئولیت انفاق

آماده گردد و هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نماند (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۵۰۹). همچنین ممکن است اشاره به مصیبت‌ها در این آیات، پاسخی به شبهه کافران باشد؛ چرا که آنان وجود مشقت‌ها را دلیلی بر نفی عدالت الهی می‌دانند و معتقدند مسیر ایمان با دشواری‌هایی همراه است که بدون ایستادگی در برابر آن‌ها، دستیابی به حقیقت ممکن نیست. این توضیح، ارتباط معنایی آیات ۱۱ به بعد را با آیات پیشین روشن می‌سازد (نک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۴، ص ۱۹۷-۱۹۸).

در ادامه، بسته دوم سیاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. واژه «مصیبت» غالباً در مورد رخداد‌های ناخوشایند زندگی انسان‌ها به کار می‌رود. در پس‌زمینه همه مصائب، اراده و اذن تکوینی خداوند قرار دارد و هیچ حادثه‌ای بدون علم و مشیت او تحقق نمی‌یابد (حدید: ۲۲). در آغاز این سیاق، خداوند مؤمنان را به صبر در برابر مصیبت‌ها فرمان می‌دهد؛ البته منظور، مصیبت‌هایی است که خارج از اراده انسان‌اند، نه آن دسته که ناشی از ظلم‌اند و باید در برابرشان ایستادگی و تلاش صورت گیرد.

از سوی دیگر، ایمان به یگانگی خداوند انسان را به سوی حقیقت هدایت کرده و موجب آرامش قلب‌ها می‌شود؛ زیرا همه امور به خداوند بازمی‌گردد (تغابن: ۱۱). در نتیجه، اطاعت از خدا و رسول او واجب و ضروری است، چرا که جز او معبودی شایسته پرستش نیست (تغابن: ۱۲). در مسیر اطاعت و مجاهدت برای خدا، مصیبت‌هایی رخ می‌دهد که مؤمنان باید با توکل کامل به خداوند، امور خود را به او بسپارند (تغابن: ۱۳).

در این مسیر، دشمنانی نیز وجود دارند که برخی از همسران و فرزندان را شامل می‌شوند؛ کسانی که تلاش می‌کنند مرد خانواده را از مسیر انفاق و ایمان منحرف سازند. اما مؤمنان باید رضایت خداوند را بر رضایت آنان مقدم بدانند و فریب نخورند. در مقابل، خداوند با مغفرت و رحمت خود با آنان رفتار خواهد کرد (تغابن: ۱۴).

در ادامه، خداوند بار دیگر به مسئله مصیبت بازمی‌گردد و ابزارهای آزمایش را معرفی می‌کند: اموال و فرزندان. این دو، زینت‌های دنیوی‌اند که می‌توانند انسان را از مسیر حق منحرف سازند. بنابراین، مؤمنان باید خداوند را بر آن‌ها ترجیح دهند و پاداش عظیم الهی را مدنظر قرار دهند (تغابن: ۱۵). آنان باید به اندازه توان خود انفاق کنند، چرا که خداوند از میزان استطاعت واقعی هر فرد آگاه است و نتیجه خیر انفاق به خود فرد بازمی‌گردد (تغابن: ۱۶).

در آیات پایانی این سیاق، خداوند برای تسلی خاطر مؤمنان در برابر سختی‌های راه مجاهدت، انفاق را به منزله قرض دادن به خداوند معرفی می‌کند و از این طریق آنان را تشویق می‌نماید. این تعبیر، نشان‌دهنده آگاهی خداوند از مشقت‌ها و مصیبت‌های مسیر ایمان است (تغابن: ۱۷-۱۸). زیرا او دانای آشکار و نهان است (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۵۰۹-۵۲۱).

از مجموع مطالب فوق، چند نکته کلیدی درباره نقش انسان در مصیبت‌ها قابل استخراج است؛ مصیبت‌های زندگی انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف. مصائبی که انسان در آن‌ها نقشی ندارد. ب. مصائبی که نتیجه اعمال خود انسان‌اند. در هر دو دسته، تحقق مصیبت‌ها منوط به اذن الهی است؛ حتی اراده انسان نیز با اجازه خداوند به او عطا شده است. افزون بر این، مصیبت‌ها وسیله‌ای برای آزمایش ایمان مؤمنان هستند. یکی از ابزارهای این آزمون، اموال و فرزندان‌اند که انسان می‌تواند در برابر آن‌ها دو نوع واکنش داشته باشد؛ الف. معیار رضایت آنان را ملاک قرار دهد. ب. رضایت خداوند را معیار قرار دهد.

اگر مؤمنان رضایت الهی را ملاک قرار دهند، در این آزمون موفق خواهند بود. در نهایت، انسان باید در برابر مصیبت‌هایی که خارج از اراده اوست، صبر پیشه کند و به قضای الهی راضی باشد؛ اما در برابر مصیبت‌هایی که در آن نقش دارد، باید تا حد توان مقاومت کرده و مانع بروز مشکلات بیشتر شود. نکته مهم آن است که خداوند به باطن انسان‌ها آگاه است و بر اساس آن، پاداش یا جزا عطا می‌کند. از همین رو، مسئله «قرض به خدا» مطرح شده تا نشان دهد مؤمن حقیقی با خدا معامله می‌کند و پاداش واقعی را از او دریافت خواهد کرد.

۴-۴. توجه به آیات هم‌مضمون

یکی از آیات هم‌مضمون با آیه مورد بحث، آیه شریفه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰) است. در آیات پیشین، موضوع رحمت الهی مطرح شده و به‌طور طبیعی این پرسش به ذهن می‌رسد که پس منشأ مصیبت‌هایی که انسان‌ها گرفتار آن می‌شوند چیست؟ در پاسخ، خداوند متعال بیان می‌فرماید که رخداد‌های ناخوشایند و مصیبت‌ها نتیجه

اعمالی است که خود انسان‌ها مرتکب شده‌اند؛ با این حال، این تمام مجازات نیست، بلکه بخش عمده‌ای از آن‌ها را خداوند با رحمت خود بخشیده است.

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که مصیبت‌هایی که انسان با آن مواجه می‌شود، در بسیاری موارد نوعی هشدار و مجازات الهی است و گاه نیز هدف، آزمایش و ابتلای الهی می‌باشد. اگر بخواهیم به فلسفه مصائب اشاره کنیم، می‌توان مواردی چون غفلت‌زدایی، کفاره گناهان، هشدار برای آینده، سنجش الهی، و پرورش استعدادها در بستر سختی‌ها و فشارهای ناشی از مصیبت‌ها را برشمرد.

شایان توجه است که مصیبت‌ها همواره جنبه فردی ندارند، بلکه گاه به‌عنوان کیفر گناهان جمعی بر جوامع انسانی نازل می‌شوند (روم: ۴۱) و این جوامع به سبب اعمال خود گرفتار بلا می‌گردند (رعد: ۱۱). چنین آیاتی به روشنی دلالت بر وجود پیوندی عمیق میان رفتارهای انسان و نظام آفرینش دارند (اعراف: ۹۶؛ نحل: ۱۱۲؛ هود: ۵۲؛ نوح: ۱۱). بنابراین، اگر انسان‌ها مطابق با فطرت الهی خود رفتار کنند، مشمول رحمت و برکات الهی خواهند شد و در صورت انحراف از آن، به فساد و تباهی کشیده می‌شوند.

در همین راستا، بلاها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، بلاهایی که به‌عنوان کفاره و مجازات گناهان نازل می‌شوند و موجب شرمندگی در دنیا و آخرت خواهند بود؛ دوم، بلاهایی که برای ارتقاء مقام انسان نزد خداوند و خلق او در نظر گرفته شده‌اند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۳۹-۴۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۸، ص ۸۵-۸۸؛ حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵، ص ۵۷-۵۸؛ قرشی‌بنایی، ۱۳۷۵ ش، ج ۹، ص ۴۹۰-۴۹۲).

براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که اعمال انسان تأثیر مستقیم بر سرنوشت فردی و اجتماعی او دارند و این اعمال، مسیر هدایت به سوی رحمت و لطف الهی یا سقوط در عذاب و مجازات را رقم می‌زنند.

۵-۴. توجه به احادیث

در آموزه‌های دینی، پیوند میان قرآن کریم و عترت به‌عنوان دو منبع هدایت، امری بنیادین تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برای فهم ژرف‌تر آیات الهی، مراجعه به احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام ضرورتی انکارناپذیر دارد. زیرا بسیاری از مفاهیم در قرآن به‌صورت کلی بیان شده‌اند و احادیث با شرح جزئیات آن‌ها، زمینه‌ساز عمل دقیق‌تر و آگاهانه‌تر انسان‌ها می‌گردند. در منابع معتبر، احادیث فراوانی از معصومان علیهم‌السلام در موضوعات مختلف نقل شده است. یکی از محورهای مهمی که اهل‌بیت علیهم‌السلام بدان پرداخته‌اند، تأثیر اعمال انسان بر مصائب و گرفتاری‌های زندگی است. در ادامه، به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱- «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقِي يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَالَتْ ثُمَّ قَالَ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ»^۱ (کلینی، ۴۰۷ ق، ۲: ۲۶۹).

۲- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرَ»^۲ (همان).

۳- «عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَا تُبْدِينَ عَنْ وَاضِحَةٍ وَ قَدْ

^۱ «امام صادق (علیه السلام) هشام بن سالم از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: هر رگی که قطع می‌شود، هر مصیبتی که به وجود می‌آید و هر سردرد یا بیماری که فرد بدان دچار می‌شود به سبب ارتکاب گناهان است. زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ. [هشام] گوید، آنگاه امام (علیه السلام) فرمود: «آنچه خداوند عفو و گذشت می‌فرماید، بیشتر است از آنچه مؤاخذه و عقوبت می‌کند».

^۲ «علی بن ابراهیم از پدرش، از حماد، از حریز، از فضیل بن یسار، از ابی جعفر (ع) نقل کرده است که فرمود: هیچ مصیبتی به بنده خدا نمی‌رسد مگر به خاطر گناهی و خداوند از آنچه که (بنده او) را مبتلا می‌سازد، بیشتر عفو می‌کند».

عَمِلَتِ الْأَعْمَالُ الْفَاضِحَةَ وَلَا يَأْمَنُ الْبَيَّاتَ مَنْ عَمِلَ السَّيِّئَاتِ»^۳ (همان).

این احادیث به روشنی بر ارتباط مستقیم میان گناهان انسان و مصائب و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود تأکید دارند. همچنین، بر این نکته تأکید می‌کنند که عفو و رحمت الهی نسبت به مصائب و ناکامی‌هایی که انسان مستحق آن‌هاست، بسیار گسترده‌تر است. با این حال، انسان نباید از پیامدهای اعمال ناپسند خود احساس امنیت کند؛ زیرا گناه، زمینه‌ساز بلا و محرومیت از الطاف الهی است.

۴-۶. توجه به اسباب نزول

«سبب نزول» به معنای رخداد یا پرسشی است که در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رخ داده و خداوند متعال در پاسخ به آن واقعه یا سؤال، آیه یا آیاتی را برای تبیین حکم یا توضیح موضوع نازل فرموده است (نک: معرفت، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۰؛ زرقانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۶). توجه به سبب نزول یکی از ابزارهای مهم در دستیابی به تفسیر دقیق آیات قرآن کریم به‌شمار می‌رود؛ چرا که مفسری که از این عنصر غفلت کند، ممکن است دچار خطا و برداشت ناقص از کلام الهی شود (نک: سعیدی روشن، بی‌تا، ص ۴۳).

سوره مبارکه تغابن در پی حادثه‌ای در مدینه نازل شده است. در آن زمان، برخی از مردان پس از پذیرش اسلام قصد هجرت داشتند، اما همسران و فرزندانشان مانع این تصمیم می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که برخی از آنان در مکه باقی می‌ماندند. در این زمینه، آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ...» (تغابن: ۱۴) نازل شد و مؤمنان را نسبت به چنین همسران و فرزندان هشدار داد؛ زیرا آنان در مسیر ایمان، مانع و دشمن محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، برخی از کسانی که موفق به هجرت شده بودند، پس از مشاهده رشد و پیشرفت دینی خود، قصد داشتند خانواده‌هایی را که مانع هجرتشان شده بودند، مجازات کنند. در این هنگام، بخش پایانی آیه «وَأِنْ تَعَفُّواْ وَتَصْفَحُواْ وَتَغْفِرُواْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» نازل شد و آنان را به گذشت و بخشش دعوت کرد تا در آینده مشمول مغفرت الهی گردند (نک: واحدی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۲۹-۲۳۰).

بر اساس این سبب نزول، روشن می‌شود که انسان باید رضایت خداوند را بر رضایت خانواده مقدم بدارد و در مسیر ایمان، انفاق و مجاهدت در راه حق گام بردارد تا در آخرت، پاداش الهی را دریافت کند. این آیات، ضمن بیان یک واقعه تاریخی، آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را نیز در دل خود جای داده‌اند که توجه به آن، فهم عمیق‌تری از پیام الهی را ممکن می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

تحول تفسیری آیه ۱۱ سوره تغابن، از قرائت‌های سنتی تا رویکردهای معاصر، صرفاً یک تغییر در زبان یا سبک تفسیر نیست، بلکه بازتابی از دگرگونی عمیق در تلقی انسان از نسبت خود با خدا، رنج، و مسئولیت است. در تفاسیر متقدم، مصیبت‌ها به‌مثابه تجلی اراده و علم الهی، انسان را به تسلیم و رضا فرامی‌خواندند؛ نگاهی که با تثبیت جایگاه خداوند به‌عنوان فاعل مطلق، نقش انسان را به سطح واکنش‌های ایمانی محدود می‌کرد. اما در تفاسیر متأخر، این رابطه از سطح انفعال به سطحی فعال‌تر ارتقا یافت. ایمان، نه تنها شرط هدایت، بلکه عامل پویایی در مواجهه با بلا تلقی شد و علم الهی به باطن انسان‌ها، مبنای عدالت در پاداش و جزا قرار گرفت. در دوره معاصر، این تحول با تأکید بر توحید افعالی و اراده تکوینی، به بازتعریف مصیبت در چارچوب نظام خلقت انجامید؛ جایی که انسان، نه قربانی صرف، بلکه کنش‌گری اخلاقی و معنوی در برابر رنج‌هاست.

تفسیر میزان، با رویکردی فلسفی-تفسیری، این تحول را به نقطه‌ای رسانده که مصیبت، نه تنها آزمون، بلکه بستری برای مشارکت آگاهانه انسان در مسیر هدایت الهی تلقی می‌شود. این رویکرد، نه فقط در بازخوانی مفاهیم قرآنی، بلکه در بازسازی الهیات بلا، ظرفیت آن را دارد که به نیازهای معنوی انسان معاصر در مواجهه با بحران‌های وجودی، اجتماعی و زیست‌محیطی

^۳ «امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: تو که کارهای رسوا کننده کرده‌ای! نیش را به خنده باز مکن و کسی که گناه کرده است، نباید خود را از شیخون (عذاب خدا) ایمن داند.»

پاسخ دهد. از این منظر، پژوهش حاضر صرفاً به تحلیل تاریخی بسنده نمی‌کند، بلکه افقی برای بازاندیشی در نسبت میان ایمان، رنج و مسئولیت می‌گشاید؛ افقی که می‌تواند الهام‌بخش بازتعریف سبک زندگی ایمانی در جهانی باشد که بیش از هر زمان دیگر، در جست‌وجوی معنا، تاب‌آوری و کنش اخلاقی است.



۶. مراجع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الإعلام اسلامی.
- ابن ابی‌زمنین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن ابی‌زمنین*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۰ش)، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تهران: انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جرجانی، علی بن محمد، (۱۳۷۰ش)، *التعریفات (جرجانی)*، تهران: ناصر خسرو.
- جعفرزاده، مهدی، (۱۴۰۱ش)، *تاثیر افعال اختیاری انسان در نظام تکوین از منظر آیات و روایات*، استاد راهنما: محمدرنجبر حسینی، رساله دکتری فلسفه و کلام اسلامی - کلام امامیه، دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دار الفکر.
- خامه‌گر، محمد، (۱۳۹۶ش)، *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معاونت پژوهشی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دایه، محمد رضوان؛ جزائری، نورالدین محمد بن نعمه‌الله، (۱۴۲۴ق)، *فرؤق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*، ریاض: مکتبة الرشد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ش)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مصطفوی، چاپ دوم.
- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۹۳ش)، «نقش انسان در شرور طبیعی از نگاه وحی و عقل»، *کلام اسلامی*، دوره ۲۳، ش ۹۱، ش پ ۹۱، صص ۴۱ - ۶۵.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۷۸ش)، *تفسیر قرآن مهر*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

- زرقانی، محمدعبدالظیم، (۱۳۸۵ش)، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
- ساسانیان، آیگین، (۱۳۹۵ش)، نقش انسان در شرور طبیعی (بلايا) از منظر قرآن و روایات، استادراهنما: سید معصوم حسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر، (بی‌تا)، اسباب‌بازمین‌های نزول قرآن، قم: زمزم هدایت.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
- شبر، عبدالله، (۱۴۱۰ق)، تفسیر القرآن الکریم، قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۵ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: علی عبدالحمیدی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری‌همدانی، تهران: فراهانی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبد الله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۸ش)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید، (۱۴۰۸ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط-اسلامیه)، تهران: دارالکتب اسلامیة، چاپ چهارم.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، (۱۳۳۶ش)، منهج الصادقین فی إلیام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، (۱۴۲۳ق)، زبدۀ التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

- محلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظهری، ثناءالله، (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، کویت: مکتبه رشديه.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۱ش)، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۴ش)، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تهمهید، چاپ هشتم.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ش)، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم: موسی دانش، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم.
- نصیراوغلی خیابانی، صدیقه؛ رئیسی، ناهید، (۱۳۹۵ش)، «عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه تخصصی قرآن و حدیث سفینه، دوره ۱۳، ش ۵۱، صص ۸۷-۱۰۹.
- واحدی، علی بن احمد، (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول، مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: نشرنی.

